

علم أصول الفقه

۱۲-۱۲-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۵۶

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- در مورد دلیل اول می‌گوید: تضادی که در این دلیل مطرح شده به دو صورت قابل تصویر است:

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- أ. تضاد به لحاظ ملاکات و مبادی احکام باشد؛ در این صورت ملاکی که متیقن به لحاظ واقع می‌بیند با ملاکی که شارع در ردع حجیت آن یقین دارد، در تضاد است. مثلاً مکلف به وجوب عملی یقین دارد؛ زیرا ملاک و مبادی وجوب را مشاهده می‌کند؛ در عین حال شارع حجیت این یقین را ردع می‌کند که معنای ردع وی، وجود ملاک حکم دیگری غیر از وجوب است. بنابراین دو گونه ملاک حاصل می‌شود که با هم قابل جمع نیستند.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- ب. تضاد به لحاظ عالم تنجیز و تحریک باشد؛ در این صورت عاملی که شخص را تحریک می‌کند بر طبق یقین عمل کند با عاملی که بر اثر ردع شارع، مکلف را تحریک می‌کند، در تضاد است.
- یقین، مکلف را وادار می‌سازد بر طبق یقین خویش عمل نماید، اما شارع با ردع حجیت این یقین، مکلف را تحریک به فعلی می‌کند که با فعل اول تنافی دارد.
- مکلف از یک سو با یقین خویش به سوی فعل کشیده می‌شود و از سوی دیگر به واسطه‌ی عاملی دیگر که دلیل ردع حجیت این یقین است، از آن فعل دور می‌گردد.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- سپس شهید صدر می گوید: اگر تضاد به لحاظ ملاکات و مبادی باشد، این اشکال همان اشکالی است که در بحث جمع بین حکم ظاهری و واقعی مطرح می شود و بنا بر برخی مبانی می تواند به عنوان دلیل تامی برای عدم امکان سلب حجیت یقین قرار گیرد؛ اما این دلیل از نظر همگان دلیل تامی نیست.
- و اگر تضاد به لحاظ عالم تحریک و بعث و تنجیز باشد، این اشکال به اشکال دومی بر می گردد که اصولی ها در مقابل قول اخباری ها مطرح می نمایند، یعنی همان دلیل دوم است.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- در نظر شهید صدر در دلیل دوم معنای ذاتی بودن حجیت یقین این است که محرکیت یقین ذاتی است.
- به عبارت دیگر این حجیت به معنای محرکیت، تنجیز و تعذیر است.
- در این صورت وجوب عمل بر طبق یقین منوط به این است که بدانیم منجزیت یا محرکیت یقین تنجیزی است یا تعلیقی؟
- در صورتی که محرکیت تعلیقی باشد، عمل بر طبق یقین، متوقف بر چیز دیگری خواهد بود.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- جا دارد در همین جا به اشکالی که در بیان مشهور اصولی‌ها هست، اشاره نماییم. آنها گفته‌اند: حجیت قطع ذاتی است و ذاتی قابل سلب از ذات نیست.
- تصور ایشان از ذاتی، ذاتی باب ایساغوجی بوده است. یعنی فکر کرده‌اند حجیت بخشی از ذات است؛ همان گونه که جنس و فصل جزئی از ذات و نوع، تمام ذات یک شیء است.
- حال آن که با بیانی که در قبل گذشت، دریافتیم که ذاتی در اینجا ذاتی باب ایساغوجی نیست. ذاتی در اینجا امری خارج از ذات است و آن را ذاتی باب برهان می‌گوییم.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- بنابر آن مطلب، حجیت امری است که از خود یقین نشأت می‌گیرد و لازمه‌ی آن است. یقین حالتی است که در نفس انسان پیدا می‌شود و بر اساس آن تصویری کاملاً مطابق با واقع می‌بیند که هیچ احتمال خلافی در آن نیست یا به عبارت دیگر یقین تصویری است همراه با حکم خاص.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- حجیت (یعنی ضرورت عمل بر طبق یقین) امری اعتباری است که عقل با توجه به خصوصیت یقین آن را اعتبار می‌کند. منشأ این اعتبار ذات یقین است، به همین دلیل به آن ذاتی می‌گوییم. بنابراین حجیت نه بخشی از یقین است و نه خود آن. و اصولاً از سنخ دیگری است: یقین، امری تکوینی است و حجیت، امری اعتباری؛ اما اعتباری-ای که از آن امر تکوینی ناشی شده است.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- بعد از روشن شدن این مطلب است که بحث شهید صدر معنادار می شود. حال که حجیت امری اعتباری است و از ذات یقین نشأت می گیرد، آیا این اعتباری یک اعتباری مشروط است - یعنی اعتباری است به شرط این که شارع ردع نکرده باشد - یا این اعتباری، یک اعتباری غیر مشروط است؟

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- در دلیل سوم نقض غرض مولی مطرح شده است. مراد از نقض غرض چیست؟ شهید صدر در جواب این سؤال می گوید: اگر مقصود از نقض غرض این است که به لحاظ ملاکات احکام تنافی پیش می آید، در این صورت این بحث به صورت اولی بر می گردد که در شرح دلیل اول گذشت.
- و اگر مقصود از غرض، داعی باشد و مراد از نقض غرض، شکسته شدن داعی جعل باشد، باید به پاسخ این سؤال پردازیم که داعی جعل چیست؟ در نظر شهید صدر جعل و اعتبار به دلیل تحریک صورت می گیرد.